د کابل پوهنتون د ټولنیزو علومو علمي-څېړنیزه مجله
مجله علمی-تحقیقی علوم اجتماعی پوهنتون کابل
Journal of Social Sciences
Kabul University
e-ISSN: 3078-557X
P-ISSN: 3078-5561

Examining the Relationship Between Family Emotional Climate and Students' Attitudes Toward Addiction

Sayed Besmillah Basaam[1*], Ramin Sultani[2]

[1,2]Department of Social Work, Faculty of Psychology, Kabul University, Kabul, AF
Email: raminsultani313@gmail.com

Article History

Recevied:
August 8, 2026

Accepted:
September 19, 2026

Published:
September 22, 2026

Abstract

Attitudes toward addiction are considered one of the key factors influencing the tendency toward or avoidance of substance use and can be shaped by family-related factors. The present study aimed to examine the relationship between family emotional climate and attitudes toward addiction among students at Kabul University. This study used a correlational design. The study population consisted of students at Kabul University in 2025, from whom 369 individuals were selected through convenience sampling. We collected data using the Family Emotional Climate Questionnaire and the Attitude Toward Addiction Questionnaire. Data were analyzed using SPSS version 22, employing Pearson correlation and multiple regression tests. The results indicated a significant negative relationship between family emotional climate and attitudes toward addiction ($r = -0.308$, $p < 0.01$). Additionally, all components of family emotional climate—including affection, caress, approval, experience, gifting, encouragement, trust, and security—showed significant negative correlations with attitudes toward addiction ($p < 0.01$). Among these components, encouragement ($r = -0.325$) and security ($r = -0.323$) demonstrated the strongest correlations. The findings suggest that a positive family emotional climate can serve as a protective factor in reducing positive attitudes toward addiction among students. These results highlight the importance of family-based interventions in addiction prevention programs.

Keywords

Family Emotional Climate; Attitudes Toward Addiction; Addiction Prevention; Students; Family Factors

Basaam, S. B., & sultani, R. (2026). Examining the Relationship Between Family Emotional Climate and Students' Attitudes Toward Addiction. *Journal of Social Sciences - Kabul University*, *9*(2), 235-257. https://jss.edu.af/jss/article/view/559

د کابل پوهنتون د ټولنیزو علومو علمي-څېړنیزه مجله
مجله علمی-تحقیقی علوم اجتماعی پوهنتون کابل
Journal of Social Sciences
Kabul University
e-ISSN: 3078-557X
P-ISSN: 3078-5561

بررسی رابطه بین جو عاطفی خانواده و نگرش محصلان نسبت به اعتیاد

سید بسم الله بسام [1]، رامین سلطانی [2]

دیپارتمنت کار اجتماعی، پوهنحی روانشناسی و علوم تربیتی، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

ایمیل: raminsultani313@gmail.com

تاریخچه

تاریخ دریافت:
۱۷ اسد ۱۴۰۵

تاریخ پذیریش:
۲۸ سنبله ۱۴۰۵

تاریخ نشر:
۳۱ سنبله ۱۴۰۵

چکیده

نگرش به اعتیاد یکی از عوامل مهم و اساسی در گرایش یا جلوگیری از مصرف مواد محسوب می‌شود و می‌تواند تحت تأثیر عوامل خانوادگی قرار گیرد. این تحقیق با هدف بررسی رابطه بین جو عاطفی خانواده و نگرش به اعتیاد در میان محصلان پوهنتون کابل انجام شد که از نظر هدف کاربردی و از نظر روش همبستگی می‌باشد. جامعه آماری شامل محصلان پوهنتون کابل در سال ۱۴۰۴ بود که ۳۶۹ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه جو عاطفی خانواده و پرسشنامه نگرش به گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ و آزمون‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره انجام گرفت. نتایج نشان داد که بین جو عاطفی خانواده و نگرش به اعتیاد رابطه منفی و معناداری وجود دارد ($p<0.01$ r=-0.308). همچنین تمامی مقیاس‌های جو عاطفی خانواده شامل محبت، نوازش، تأیید، تجربه، هدیه، تشویق، اعتماد و امنیت با نگرش به اعتیاد رابطه منفی و معنادار داشتند ($p<0.01$). در میان این مقیاس‌ها، تشویق (r=-0.325) و امنیت (r=-0.323) بیشترین قدرت همبستگی را نشان دادند. یافته‌ها بیان کننده آن‌است که جو عاطفی مثبت خانواده می‌تواند به‌عنوان عاملی محافظتی در کاهش نگرش مثبت به اعتیاد در میان محصلان عمل کند. این نتایج بر ضرورت توجه به مداخلات خانواده‌محور در برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی

جو عاطفی خانواده؛ نگرش به اعتیاد؛ پیشگیری از اعتیاد؛ محصلان؛ عوامل خانوادگی

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله ربّ العالمین، والصلاة والسلام علی سیّد المرسلین، وعلی آله وأصحابه أجمعین. أما بعد:

مصرف و وابستگی به مواد مخدر همچنان یکی از چالشهای مهم سلامت عمومی و اجتماعی در سراسر جهان است که پیامدهای گستردهای برای سلامت جسمانی و روانی افراد، روابط خانوادگی و انسجام اجتماعی به همراه دارد (اشتاین و همکاران، ۲۰۲۳). اعتیاد را میتوان بهعنوان یک اختلال پیچیده در نظر گرفت که با میل شدید و پایدار به مصرف مواد، دشواری در کنترول مصرف و احتمال بازگشت به مصرف پس از دوره ترک مشخص میشود (داکیس، چارلز؛ اوبراین،۲۰۰۵). این پدیده صرفاً یک مشکل جسمانی یا روانشناختی نیست، بلکه ابعاد اجتماعی و خانوادگی نیز در شکلگیری، تداوم و پیشگیری از آن نقش اساسی دارند (گالانتر، ۲۰۰۶). از این منظر، شناخت عوامل مرتبط با نگرش افراد، بهویژه در دوره نوجوانی و جوانی برای طراحی مداخلات مؤثر پیشگیرانه اهمیت ویژهای دارد.

افغانستان از جمله کشورهایی است که در چند دهه گذشته با پیامدهای گسترده مرتبط با مواد مخدر مواجه بوده است. بر اساس گزارش بررسی ملی مصرف مواد مخدر در افغانستان، مصرف مواد در این کشور به یکی از مسائل مهم اجتماعی و صحی تبدیل شده است. یافتههای گزارش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC) نشان میدهد که در سال ۲۰۱۵، حدود ۱۲.۸ فیصد از جمعیت ۱۵ ساله و بالاتر حداقل یک نوع ماده مخدر یا الکل مصرف کرده بودند. میزان مصرف در میان مردان بیشتر از زنان گزارش شده و مواد افیونی، از جمله تریاک و هروئین، سهم قابلتوجهی از الگوی مصرف را تشکیل میدادند. همچنین، شواهد مربوط به مصرف در میان نوجوانان و گروههای سنی پایینتر، ضرورت توجه جدیتر به عوامل پیشگیرانه در دوره نوجوانی و جوانی را برجسته میسازد .(UNODC, 2015) بنابراین، اعتیاد در افغانستان را نمیتوان صرفاً مسئلهای مربوط به افراد بزرگسال دانست؛ بلکه پیشگیری از شکلگیری نگرشها و رفتارهای مرتبط با مصرف مواد در میان نسل جوان، یک ضرورت مهم اجتماعی و سلامت عمومی محسوب میشود.

نوجوانی و اوایل بزرگسالی از حساسترین دورههای رشد فردی و اجتماعی به شمار میرود؛ زیرا در این دوره، افراد با تغییر گسترده شناختی، هیجانی و اجتماعی مواجه میشوند و در معرض شکلگیری الگوهای پایدار نگرشی و رفتاری قرار دارند. تحقیقات نشان میدهد که میزان مصرف مواد از

سال‌های نوجوانی به‌طور قابل‌توجهی افزایش می‌یابد و در سال‌های جوانی به سطوح بالاتری می‌رسد (سادوک و همکاران، ۲۰۲۴) .

در این میان، نگرش نسبت به مصرف مواد یکی از متغیرهای مهم در تبیین رفتارهای مرتبط با مواد مخدر است. نگرش بیانگر ارزیابی شناختی و عاطفی فرد نسبت به یک رفتار و پیامدهای مورد انتظار آن است و می‌تواند بر قصد فرد برای انجام یا اجتناب از آن رفتار اثر بگذارد. در واقع، نگرش مثبت نسبت به مصرف مواد می‌تواند احتمال مصرف را افزایش دهد، در حالی که نگرش منفی می‌تواند به‌عنوان یک عامل بازدارنده عمل کند. از این رو، شناسایی عوامل مؤثر بر نگرش جوانان نسبت به اعتیاد می‌تواند مبنایی برای طراحی برنامه‌های پیشگیری مؤثر، به‌ویژه در محیط‌های آموزشی، فراهم سازد (عفیفی، ۲۰۰۶).

با وجود اهمیت نگرش، شکل‌گیری آن را نمی‌توان جدا از محیط اجتماعی و خانوادگی فرد بررسی کرد. شواهد تحقیقاتی نشان می‌دهد که مصرف مواد پدیده‌ای چندعاملی است و حاصل تعامل عوامل مختلف از جمله زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی است (مایکل و داووس، ۲۰۱۱). در میان این عوامل، خانواده یکی از مهم‌ترین محیط‌های اجتماعی در شکل‌گیری نگرش‌ها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری فرزندان محسوب می‌شود. کیفیت روابط والدین و فرزندان، میزان حمایت عاطفی، ارتباط مطلوب، اعتماد و احساس امنیت در خانواده می‌تواند در کاهش یا افزایش آسیب‌پذیری جوانان در برابر رفتارهای پرخطر نقش داشته باشد. (ر ضایی و همکاران، ۲۰۱۴). از همین رو، تحقیقات مختلف خانواده را نه‌تنها به‌عنوان یک عامل بالقوه خطر، بلکه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع حمایت و پیشگیری از مصرف مواد در میان نوجوانان و جوانان معرفی کرده‌اند (میرزایی و همکاران، ۲۰۱۳).

یکی از مفاهیم مهم در این زمینه، جو عاطفی خانواده است. جو عاطفی خانواده به کیفیت فضای هیجانی و روابط میان اعضای خانواده اشاره دارد و می‌تواند از طریق ابعادی مانند محبت، نوازش، تأیید، هدیه‌دادن، تجربه‌های مشترک، تشویق، اعتماد و ایجاد احساس امنیت در روابط خانوادگی نمود پیدا کند. خانواده‌ای که در آن فرد محبت و پذیرش را تجربه می‌کند، فرصت تعامل مثبت با والدین دارد و از احساس اعتماد و امنیت برخوردار است، می‌تواند زمینه مساعدتری برای رشد سازگاری روان‌شناختی و شکل‌گیری نگرش‌های سالم فراهم کند. در مقابل، ضعف در روابط عاطفی و ارتباطی خانواده ممکن است آسیب‌پذیری فرد را در برابر فشارهای اجتماعی و رفتارهای پرخطر افزایش دهد.

باتوجه به اهمیت نقش خانواده در نگرش نسبت به اعتیاد بخش قابل‌توجهی از مطالعات موجود بر شیوع مصرف، عوامل خطر یا پیامدهای اعتیاد تمرکز داشته‌اند و کمتر به این پرسش پرداخته‌اند که چگونه کیفیت روابط عاطفی خانواده می‌تواند با نگرش جوانان نسبت به اعتیاد ارتباط داشته باشد. علاوه بر این، بررسی هم‌زمان ابعاد مشخص جو عاطفی خانواده، از جمله محبت، نوازش، تأیید، هدیه، تجربه مشترک، تشویق، اعتماد و احساس امنیت، می‌تواند درک دقیق‌تری از عوامل خانوادگی مرتبط با نگرش نسبت به اعتیاد فراهم سازد. این خلأ تحقیقی در زمینه اجتماعی و فرهنگی افغانستان اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا ساختار خانواده و روابط بین اعضای آن در این جامعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

بر این اساس، تحقیق حاضر با هدف بررسی رابطه بین جو عاطفی خانواده و نگرش به اعتیاد انجام شده است. به‌طور مشخص، این تحقیق به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است:

سوالات این تحقیق قرار ذیل است.

۱. آیا بین جو عاطفی خانواده و نگرش محصلان نسبت به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد؟
۲. آیا بین محبت و نگرش محصلان نسبت به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد؟
۳. آیا بین نوازش و نگرش محصلان نسبت به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد؟
٤. آیا بین تأیید و نگرش محصلان نسبت به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد؟
۵. آیا بین هدیه و نگرش محصلان نسبت به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد؟
٦. آیا بین تجربه مشترک و نگرش محصلان نسبت به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد؟
۷. آیا بین تشویق و نگرش محصلان نسبت به به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد؟
۸. آیا بین اعتماد و نگرش محصلان نسبت به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد؟
۹. آیا بین احساس امنیت و نگرش محصلان نسبت به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد؟

این تحقیق با تمرکز بر رابطه میان محیط عاطفی خانواده و نگرش نسبت به اعتیاد، می‌تواند به توسعه شواهد بومی درباره عوامل خانوادگی مرتبط با پیشگیری از رفتارهای پرخطر در میان جوانان افغانستان کمک کند و زمینه‌ای برای طراحی مداخلات خانواده‌محور و برنامه‌های پیشگیرانه در محیط‌های آموزشی فراهم سازد.

پیشینه تحقیق

شواهد تحقیقی موجود نشان می‌دهد که خانواده یکی از مهم‌ترین زمینه‌های اجتماعی در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با مصرف مواد در دوره نوجوانی و جوانی است. به‌ویژه، کیفیت روابط عاطفی میان والدین و فرزندان، الگوهای رفتاری والدین و میزان حمایت و ارتباط خانوادگی می‌توانند نقش مهمی در افزایش یا کاهش آسیب‌پذیری افراد در برابر مصرف مواد داشته باشد. مطالعات انجام‌شده توسط حجت (۱۳۹۴)، دلاور (۱۳۸۸)، باقیانی‌مقدم (۱۳۸۷)، پاشاشریفی (۱۳۸۹) نشان داده‌اند که ویژگی‌ها و رفتارهای والدین با نگرش افراد به مصرف مواد ارتباط دارد و محیط خانوادگی می‌تواند در شکل‌گیری نگرش و رفتار نوجوانان و جوانان نسبت به مواد نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند.

در همین راستا، شهریاری-شقاقی، قنبرپناه و تجلی (۲۰۲۱) نشان دادند که جو عاطفی خانواده و جو محیط مکتب اثر مستقیم و معناداری بر رفتارهای پرخاشگرانه و آمادگی برای اعتیاد دارند. این یافته بیانگر آن است که رفتارهای مرتبط با اعتیاد صرفاً تحت تأثیر ویژگی‌های فردی قرار ندارند، بلکه محیط‌های اجتماعی که فرد در آن قرار دارد نیز در شکل‌گیری این رفتارها نقش دارند. همچنین، ارقبایی، سلمانیان و محمدی‌پور (۲۰۱۸) دریافتند که عاطفه منفی می‌تواند به‌عنوان یک متغیر میانجی در رابطه میان جو عاطفی خانواده و گرایش به مصرف مواد عمل کند. این یافته اهمیت سازوکارهای هیجانی را در توضیح چگونگی تأثیر فضای خانواده بر رفتارهای مرتبط با مواد برجسته می‌سازد.

یافته‌های عبدالملکی و همکاران (۲۰۱۷) نیز نشان داد که جو عاطفی خانواده پیش‌بین معناداری برای گرایش به اعتیاد است؛ درحالی‌که کنترل عواطف به‌عنوان یک متغیر مستقل، قدرت پیش‌بینی معناداری نشان نداده است. این تفاوت نشان می‌دهد که صرف توانایی فرد در کنترل هیجانات ممکن است برای تبیین نگرش به اعتیاد کافی نباشد و کیفیت محیط عاطفی که فرد در آن زندگی می‌کند، اهمیت بیشتری داشته باشد. از سوی دیگر، عرشی و همکاران (۲۰۱۸) به‌طور مستقیم رابطه میان جو عاطفی خانواده و نگرش به اعتیاد را در میان محصلان بررسی کردند و وجود رابطه مثبت و معنادار میان این دو متغیر را گزارش نمودند. این یافته، ارتباط مستقیم موضوع مورد بررسی در تحقیق حاضر با شواهد تجربی پیشین را نشان می‌دهد.

علاوه بر کیفیت روابط خانوادگی، مطالعات بر اهمیت مداخلات آموزشی و تقویت عوامل محافظتی در پیشگیری از نگرش‌های نامطلوب نسبت به مواد نیز تأکید کرده‌اند. برای نمونه، بوتوین و گریفین (۲۰۰۷) و سویم و همکاران(۲۰۰۲) نشان دادند که برنامه‌های آموزشی و پیشگیرانه می‌توانند آگاهی و نگرش جوانان نسبت به مصرف مواد را بهبود بخشند. همچنین، آقاجانی و همکاران (۲۰۲۳)

گزارش کردند که انطباق‌پذیری خانواده می‌تواند در رابطه میان احساس پیوستگی و نگرش نسبت به اعتیاد نقش میانجی ایفا کند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که ویژگی‌های ساختاری و عاطفی خانواده می‌توانند از طریق سازوکارهای مختلف روان‌شناختی و اجتماعی بر نگرش افراد نسبت به اعتیاد تأثیرگذار باشند.

در مجموع، مطالعات پیشین از این دیدگاه حمایت می‌کنند که خانواده یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری نگرش و رفتارهای مرتبط با مصرف مواد است. بااین‌حال، بیشتر مطالعات پیشین یا بر گرایش و مصرف مواد تمرکز کرده‌اند، یا جو خانواده را به‌صورت یک سازه کلی بررسی نموده‌اند. در نتیجه، شواهد درباره اینکه کدام مؤلفه‌های مشخص جو عاطفی خانواده با نگرش محصلان نسبت به اعتیاد ارتباط بیشتری دارند، محدود است.

ازاین‌رو، تحقیق حاضر با تمرکز بر جو عاطفی خانواده و مؤلفه‌های آن، تلاش می‌کند این خلأ را تا حدی پر کند. برخلاف مطالعاتی که خانواده را صرفاً به‌عنوان یک متغیر کلی در نظر گرفته‌اند، تحقیق حاضر ابعاد مشخصی از جو عاطفی خانواده، شامل محبت، نوازش، تأیید، تجربه‌های مشترک، هدیه، تشویق، اعتماد و احساس امنیت را در ارتباط با نگرش محصلان نسبت به اعتیاد بررسی می‌کند.

مبانی نظری

نظریه دلبستگی

یکی از چارچوب‌های نظری برای تبیین رابطه میان جو عاطفی خانواده و نگرش نسبت به اعتیاد، نظریه دلبستگی جان بالبی است. بر اساس این نظریه، کیفیت روابط اولیه کودک با والدین یا مراقبان اصلی نقش مهمی در شکل‌گیری الگوهای شناختی، رفتاری و هیجانی فرد در مراحل بعدی زندگی دارد. دلبستگی ایمن معمولاً با احساس امنیت، اعتماد، تنظیم بهتر هیجانات و توانایی برقراری روابط سالم همراه است، درحالی‌که دلبستگی ناایمن می‌تواند آسیب‌پذیری فرد را در برابر برخی رفتارهای پرخطر افزایش دهد (شیندلر، ۲۰۱۹).

از این جهت، مؤلفه‌هایی مانند محبت، نوازش، تأیید، تشویق، اعتماد و احساس امنیت می‌توانند بخشی از تجربه دلبستگی مثبت در خانواده را شکل دهند. هنگامی که فرزند در محیط خانواده احساس ارزشمندی و امنیت کند، احتمالاً منابع روان‌شناختی بیشتری برای مقابله با فشارهای اجتماعی و مقاومت در برابر رفتارهای پرخطر خواهد داشت. شواهد تجربی نیز نشان داده‌اند که دلبستگی ایمن

به والدین می‌تواند به‌عنوان یک عامل محافظ در برابر مصرف مواد در نوجوانان عمل کند (بکونیا ایگلسیاش و همکاران، ۲۰۱۴).

نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه یادگیری اجتماعی چارچوب نظری مکمل تری برای تو ضیح نقش خانواده در شکل‌گیری نگرش نسبت به اعتیاد فراهم می‌کند. بر اساس این نظریه، افراد بسیاری از رفتارها، نگرش‌ها و الگوهای اجتماعی خود را از طریق مشاهده، الگوبرداری و تعامل با دیگران می‌آموزند (بندورا، ۱۹۹۷). خانواده نخستین محیط اجتماعی‌شدن فرد است و رفتار و نگرش والدین می‌تواند به‌عنوان الگو برای فرزندان عمل کند.

پیوند اجتماعی خانواده و رفتارهای مرتبط با مواد

شواهد تجربی نیز بر اهمیت پیوندهای خانوادگی در پیشگیری از مصرف مواد تأکید دارند. عواملی مانند نظارت والدین، حمایت خانوادگی، کیفیت ارتباطات و میزان تعارض خانوادگی با رفتارهای مرتبط با مصرف مواد ارتباط دارند. مطالعات نشان داده‌اند که دلبستگی قوی به والدین می‌تواند احتمال مصرف مواد را کاهش دهد(دِ لا روسا و همکاران، ۲۰۱۵).

بنابراین، نظریه دلبستگی و نظریه یادگیری اجتماعی، در کنار شواهد تجربی مربوط به پیوند اجتماعی خانواده، یک چارچوب منسجم برای تبیین رابطه میان جو عاطفی خانواده و نگرش نسبت به اعتیاد فراهم می‌کنند. بر اساس این چارچوب، جو عاطفی مثبت خانواده می‌تواند از یک‌سو از طریق ایجاد احساس امنیت، اعتماد و حمایت عاطفی و از سوی دیگر از طریق فراهم‌کردن الگوهای رفتاری و نگرشی مناسب، با شکل‌گیری نگرش منفی‌تر نسبت به اعتیاد ارتباط داشته باشد.

شکاف تحقیقی و توسعه فرضیه‌ها

اگرچه مطالعات پیشین نقش خانواده را در پیشگیری از مصرف مواد و کاهش رفتارهای پرخطر تأیید کرده‌اند، چند خلأ همچنان باقی است. نخست، بخش قابل‌توجهی از مطالعات بر مصرف یا گرایش به مصرف مواد تمرکز داشته‌اند و نگرش نسبت به اعتیاد کمتر به‌عنوان پیامد اصلی مورد بررسی قرار گرفته است. دوم، بسیاری از مطالعات جو عاطفی خانواده را به‌صورت یک مفهوم کلی بررسی کرده‌اند و سهم نسبی مؤلفه‌های مشخص آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. سوم، شواهد تجربی مربوط به این رابطه در زمینه اجتماعی و فرهنگی افغانستان محدود است. بنابراین، بررسی هم‌زمان جو

عاطفی خانواده و ابعاد آن می‌تواند درک دقیق‌تری از عوامل خانوادگی مرتبط با نگرش جوانان نسبت به اعتیاد فراهم کند.

بر اساس مبانی نظری و شواهد تجربی ، فرضیه‌های تحقیق حاضر به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه اصلی:

فرضیه ۱ :بین جو عاطفی خانواده و نگرش محصلان نسبت به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی:

فرضیه ۲ :بین محبت خانواده و نگرش محصلان نسبت به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۳ :بین نوازش در خانواده و نگرش محصلان نسبت به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۴ :بین تأییدشدن توسط خانواده و نگرش محصلان نسبت به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۵ :بین تجربه‌های مشترک خانوادگی و نگرش محصلان نسبت به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ٦ :بین هدیه‌دادن در خانواده و نگرش محصلان نسبت به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۷ :بین تشویق خانوادگی و نگرش محصلان نسبت به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۸ :بین اعتماد در خانواده و نگرش محصلان نسبت به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۹ :بین احساس امنیت در خانواده و نگرش محصلان نسبت به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد.

مدل مفهومی تحقیق: در این تحقیق، مدل مفهومی تحقیق، همانطور که در شکل(۱) مشاهده می‌شود، بر اساس مبانی نظری تحقیق طراحی و پیشنهاد می‌شود.

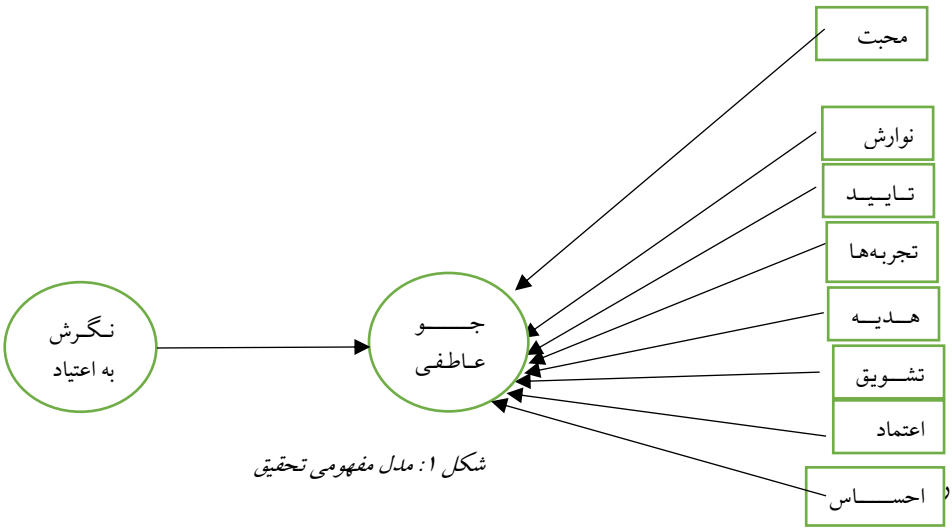

شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی پیمایشی – همبستگی محسوب می‌شود و جامعهٔ مورد مطالعه شامل تمامی محصلان پوهنتون کابل در سال ۱۴۰۴ است. برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد؛ بدین صورت که از میان محصلان حاضر و مایل به همکاری، افراد مورد نظر انتخاب شدند .حجم اولیه نمونه ۵۰۰ نفر تعیین شد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و انجام فرایند بررسی و پاک سازی داده‌ها، پرسشنامه‌ها از نظر کامل‌بودن، صحت پاسخ‌ها و قابلیت استفاده بررسی گردید. در نتیجه، از میان ۵۰۰ پرسشنامه جمع‌آوری شده، ۳۶۹ پرسشنامه دارای داده‌های کامل و قابل استفاده تشخیص داده شد و به‌عنوان نمونه نهایی وارد تحلیل آماری گردید.

ابزار تحقیق

پرسشنامه جو عاطفی خانواده هیل برن(۱۹۶۴)

مقیاس جو عاطفی خانواده نخستین‌بار توسط هیل‌برن در سال ۱۹۶۴ طراحی شد و هدف آن سنجش میزان محبت، صمیمیت و کیفیت تعاملات عاطفی میان والدین و فرزندان است. این ابزار شامل ۲۰ گویه است که پاسخ‌ها بر اساس طیف لیکرت ارائه می‌شوند و مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مرتبط با روابط هیجانی خانواده را پوشش می‌دهند. زیرمقیاس‌های این ابزار جنبه‌هایی مانند محبت، توجه و نوازش، تشویق و تأیید مثبت، تجارب مشترک والد–فرزند، توجه مادی، تحسین، اعتماد متقابل و احساس امنیت و حمایت را دربر می‌گیرند و امکان تحلیل دقیق و تفکیکی ابعاد مختلف جو عاطفی خانواده و تأثیر آن بر نگرش و رفتار فرزندان را برای محققان فراهم می‌سازند. شواهد روان‌سنجی نشان می‌دهد که این مقیاس از پایایی بالایی برخوردار است؛ به‌طوری‌که ضریب آلفای کرونباخ آن

در مطالعه عرشی و همکاران (۱۳۹۷)، ۰,۹۲۶ گزارش شدهاست و در تحقیق حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰,۹۳۰ به دست آمد که بیانگر پایایی و اعتبار مطلوب این ابزار برای سنجش جو عاطفی خانواده است.

پرسشنامه نگرش به اعتیاد

این مقیاس توسط کریمی (۱۳۹۱) ساخته و روا سازی شده است که شامل ۳۵ سوال میباشد. روایی صوری و محتوایی این آزمون در تحقیق کریمی(۱۳۹۱) توسط سه تن از اساتید پوهنتون مورد تأیید قرار گرفته است. برای بدست آوردن پایایی آن از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن ۰.۷۹ گزارش شد که حاکی از پایایی قابل قبول آن میباشد. و در تحقیق حاضر آلفای کرونباخ آن ۰.۷۵۵ بدست آمد.

به منظور تناسب داده ها، از آزمونهای کایزر ،میر ،اولکین و کرویت بارتلت استفاده شد که نتیجه بدست آمده ۰.۸۹۹ میباشد. نتیجه آزمون کرویت بارتلت نیز(p<۰.۰۰۰ ، x2=۳۹۰۱.۶۲۰) بدست آمد که مناسب بودن داده ها برای انجام تحلیلی عاملی را نشان داد.

تجزیه وتحلیل داده ها پس از جمع آوری آنها به کمک نرم افزار SPSS22 و با استفاده از روشهای نرمال بودن توزیع متغیرها ،مقایسه میانگین ها ،تحلیل واریانس ،تحلیل همبستگی ،تحلیل رگرسیون چند متغیره در صورت برقراری شرایط انجام گرفت. در انجام تحقیق سعی شد ملاحظات اخلاقی لازم در حین انجام تحقیق از قبیل محرمانه نگه داشتن اطلاعات ،کسب ر ضایت آگاهانه و عدم تحمیل هرگونه آسیب و ضرر به آزمودنی ها رعایت گردد.

یافتهها

نتایج آمار توصیفی نشان داد که توزیع متغیر سن از نظر شاخصهای چولگی (Skewness = -۰.۰۶۷) و کشیدگی (Kurtosis = ۲.۶۳۹)در محدوده قابل قبول قرار دارد، بنابراین میتوان دادههای این متغیر را نرمال ارزیابی کرد.

همچنین، میانگین نمره متغیر جو عاطفی خانواده در میان پاسخدهندگان برابر با ۲.۷۸ و انحراف معیار آن ۰.۸۳ بهدست آمد. با توجه به دامنه نمرهدهی پرسشنامه (۰ تا ۴)، این یافته نشان میدهد که سطح جو عاطفی خانواده در میان شرکتکنندگان در حد متوسط رو به بالا قرار دارد و پراکندگی پاسخها نیز در سطح متوسط ارزیابی میشود.

***جدول ۱** : مشخصات دیموگرافیک*

متغیر	گروه	فراوانی	فیصد	فیصد متغییر	فیصد تجمعی
فاکولته	وترنری	۱۵	۴.۱	۴.۱	۴.۱
	انجنیری	۲۲	۶.۰	۶.۰	۱۰.۰
	کمپیوترساینس	۴۰	۱۰.۸	۱۰.۸	۲۰.۹
	زراعت	۳۴	۹.۲	۹.۲	۳۰.۱
	حقوق و علوم سیاسی	۱۳	۳.۵	۳.۵	۳۳.۶
	فارمسی	۲۰	۵.۴	۵.۴	۳۹.۰
	هنرهای زیبا	۱۲	۳.۳	۳.۳	۴۲.۳
	اقتصاد	۱۶	۴.۳	۴.۳	۴۶.۶
	محیط زیست	۲۳	۶.۲	۶.۲	۵۲.۸
	روان‌شناسی و علوم تربیتی	۲۴	۶.۵	۶.۵	۵۹.۳
	ادبیات داخلی	۱۴	۳.۸	۳.۸	۶۳.۱
	ارتباطات و ژورنالیزم	۲۰	۵.۴	۵.۴	۶۸.۶
	ریاضی	۱۰	۲.۷	۲.۷	۷۱.۳
	اداره عامه	۱۴	۳.۸	۳.۸	۷۵.۱
	بیولوژی	۱۰	۲.۷	۲.۷	۷۷.۸
	علوم اجتماعی	۱۵	۴.۱	۴.۱	۸۱.۸
	فزیک	۱۰	۲.۷	۲.۷	۸۴.۶
	ادبیات خارجی	۳۳	۸.۹	۸.۹	۹۳.۵
	زمین شناسی	۲۱	۵.۷	۵.۷	۹۹.۲
	کیمیا	۳	۰.۸	۰.۸	۱۰۰.۰
سن	۱۵-۲۰ سال	۳۵	۹.۵	۹.۵	۹.۵
	۲۰-۲۵ سال	۳۰۳	۸۲.۱	۸۲.۱	۹۱.۶
	۲۵-۳۰ سال	۳۱	۸.۴	۸.۴	۱۰۰.۰

فرضیه‌های تحقیق

***جدول ۱** : بین جو عاطفی خانواده و نگرش به اعتیاد رابطه معنادار وجود دارد*

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنا داری
رابطه جو عاطفی خانواده و نگرش به اعتیاد	۳۶۹	-۰/۳۰۸	۰/۰۰۱

یافته‌های تحقیق نشـــان می‌دهد که بین جو عاطفی خانواده و نگرش به اعتیاد رابطه‌ای معنادار و معکوس وجود دارد (p< ۰.۰۰۱ ، n= ۳۶۹ ، r= -۰.۳۰۸) ضریب همبسـتگی پیرسـون ۰.۳۰۸- بیانگر

وجود رابطه منفی با شدت متوسط است. به این معنا که با بهتر شدن و مثبت‌تر شدن جو عاطفی خانواده، نگرش مثبت به اعتیاد کاهش می‌یابد. سطح معناداری کمتر از ۰.۰۰۱ نشان می‌دهد که این رابطه از نظر آماری بسیار معنادار بوده و احتمال اینکه این نتیجه بر اثر خطای تصادفی به دست آمده باشد، کمتر از یک دهم درصد است. بنابراین می‌توان گفت که جو عاطفی خانواده یکی از عوامل مرتبط و تأثیرگذار بر شکل‌گیری نگرش افراد نسبت به اعتیاد است و خانواده‌های که از نظر عاطفی گرم، حمایتگر و باثبات‌تر هستند، می‌توانند نقش محافظتی در برابر نگرش‌های مثبت به مصرف مواد ایفا کنند.

***جدول ۲**: بین محبت خانواده و نگرش به اعتیاد رابطه معنادار وجود دارد.*

متغییر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
رابطه محبت و نگرش به اعتیاد	۳۶۹	-۰/۲۹۷	۰/۰۰۱

نتایج نشان داد بین محبت خانواده و نگرش به اعتیاد رابطه منفی و معنادار وجود دارد r= -۰.۲۹۷ n=۳۶۹ p<۰.۰۰۱ این ضریب نشانگر رابطه‌ای معکوس با شدت ضعیف تا متوسط است، یعنی با زیاد شدن محبت در خانواده، نگرش مثبت به اعتیاد کاهش می‌یابد. معناداری آماری نیز نشان می‌دهد این یافته قابل تعمیم و غیرتصادفی است.

جدول ٤: بین نوازش (ابراز عاطفی) در خانواده و نگرش به اعتیاد رابطه معنادار وجود دارد.

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
رابطه نوازش و نگرش به اعتیاد	۳۶۹	-۰/۱۵۹	۰/۰۰۲

یافته‌ها نشان داد بین نوازش و نگرش به اعتیاد رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد r=-۰.۱۵۹ n=۳۶۹ p=۰.۰۰۲ شدت این همبستگی ضعیف است، اما از نظر آماری معنادار می‌باشد، یعنی با افزایش نوازش و ابراز عاطفه در خانواده، نگرش مثبت به اعتیاد کاهش می‌یابد. بنابراین، نوازش به‌عنوان یکی از مقیاس‌های جو عاطفی خانواده می‌تواند نقش محافظتی هرچند محدود در برابر نگرش مساعد به مصرف مواد داشته باشد.

***جدول ۵**: بین تأیید شدن توسط خانواده و نگرش به اعتیاد رابطه معنادار وجود دارد.*

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
رابطه تایید کردن و نگرش به اعتیاد	۳۶۹	-۰/۱۹۹	۰/۰۰۱

نتایج نشـــان داد بین تأیید کردن و نگرش به اعتیاد رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد r= -۰.۱۹۹ n=۳۶۹ p<۰.۰۰۱ شدت این همبستگی ضعیف است، اما از نظر آماری معنادار می‌باشد، به این معنا که با زیاد شـــدن میزان تأیید و حمایت عاطفی در خانواده، نگرش مثبت به اعتیاد کاهش می‌یابد. این یافته نشـانگر نقش محافظتی تأیید خانوادگی در پیشـگیری از شـکل‌گیری نگرش مسـاعد نسـبت به مصرف مواد است.

جدول ۶: *بین تجربه‌های مشترک خانوادگی و نگرش به اعتیاد رابطه معنادار وجود دارد.*

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
رابطه تجربه مشـــترک و نگرش به اعتیاد	۳۶۹	-۰/۱۳۸	۰/۰۰۸

یافته‌ها نشـان داد بین تجربه مشـترک و نگرش به اعتیاد رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد۰.۱۳۸- =r n=۳۶۹ p=۰.۰۰۸ شـدت این همبسـتگی ضعیف اسـت، اما از نظر آماری در سـطح ۰.۰۱ معنادار می‌باشـد، به این معنا که با زیاد شـدن تجربه‌های مشـترک در خانواده، نگرش مثبت به اعتیاد کاهش می‌یابد. بنابراین، داشـــتن فعالیت‌ها و تعاملات مشـــترک خانوادگی می‌تواند نقش محافظتی هرچند محدود در برابر نگرش به مصرف مواد داشته باشد.

جدول ۷: *بین هدیه دادن در خانواده و نگرش به اعتیاد رابطه معنادار وجود دارد.*

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
رابطه هدیه دادن و نگرش به اعتیاد	۳۶۹	-۰/۲۰۴	۰/۰۰۱

نتایج نشـــان داد بین هدیه دادن و نگرش به اعتیاد رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد ۰.۲۰۴- =r n=۳۶۹ p<۰.۰۰۱ شدت این همبستگی در حد ضعیف است، اما از نظر آماری معنادار می‌باشد، بدین معنا که با افزایش رفتارهای محبت‌آمیز مانند هدیه دادن در خانواده، نگرش مثبت به اعتیاد کاهش می‌یابد. این یافته بیانگر نقش حمایتی تعاملات عاطفی در کاهش نگرش به مصرف مواد است.

جدول ۸: *بین تشویق خانوادگی و نگرش به اعتیاد رابطه معنادار وجود دارد.*

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
رابطه تشـــویق و نگرش با اعتیاد	۳۶۹	-۰/۳۲۵	۰/۰۰۱

یافته‌ها نشان داد بین تشویق و نگرش به اعتیاد رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد ۰.۳۲۵- =r n=۳۹۶ p<۰.۰۰۱ شدت این همبستگی در حد متوسط است، یعنی با افزایش تشویق و حمایت انگیزشی در خانواده، نگرش مثبت به اعتیاد به‌طور معناداری کاهش می‌یابد. بنابراین، تشـــویق به‌عنوان یکی از

مقیاس‌های مهم جو عاطفی خانواده می‌تواند نقش محافظتی قوی‌تری نسبت به سایر مؤلفه‌ها در پیشگیری از نگرش به مصرف مواد داشته باشد.

***جدول ۹**: بین اعتماد در فضای خانواده و نگرش به اعتیاد رابطه معنادار وجود دارد.*

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
رابطه اعتماد با نگرش به اعتیاد	۳۶۹	-۰/۳۱۲	۰/۰۰۱

نتایج نشان داد بین اعتماد و نگرش به اعتیاد رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد r=-۰.۳۱۲ n=۳۹۶ p<۰.۰۰۱ شدت این همبستگی در حد متوسط است، یعنی با افزایش سطح اعتماد در روابط خانوادگی، نگرش مثبت به اعتیاد به‌طور معناداری کاهش می‌یابد. این یافته بیانگر نقش مهم اعتماد خانوادگی به‌عنوان یک عامل محافظتی در پیشگیری از شکل‌گیری نگرش نسبت به مصرف مواد است.

***جدول ۱۰**: بین احساس امنیت در خانواده و نگرش به اعتیاد رابطه معنادار وجود دارد.*

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنا داری
رابطه احساس امنیت و نگرش به اعتیاد	۳۶۹	-۰/۳۲۳	۰/۰۰۱

یافته‌ها نشان داد بین احساس امنیت و نگرش به اعتیاد رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد r=-۰.۳۲۳ n=۳۶۹ p<۰.۰۰۱ شدت این همبستگی در حد متوسط است، به این معنا که با افزایش احساس امنیت در خانواده، نگرش مثبت به اعتیاد به‌طور معناداری کاهش می‌یابد. بنابراین، احساس امنیت عاطفی می‌تواند به‌عنوان یک عامل محافظتی مهم در برابر شکل‌گیری نگرش نسبت به مصرف مواد نقش ایفا کند.

***جدول ۱۱**: همبستگی متغیرهای دیموگرافیک با جو عاطفی خانواده و نگرش به اعتیاد*

متغیرها	پوهنحی	سن	جو عاطفی	نگرش به اعتیاد
پوهنحی	۱	-۰/۱۷۶	۰/۱۴۸	-۰/۰۷۵
سن	-۰/۱۷۶	۱	-۰/۰۹۵	۰/۰۹۲

این جدول نشان می‌دهد که فاکولته و سن تأثیر ضعیفی بر جو عاطفی و نگرش به اعتیاد دارند، در حالی که جو عاطفی خانواده بیشترین رابطه معکوس را با نگرش به اعتیاد دارد . اگرچه در این جدول مقدار r کمی پایین‌تر از سایر تحلیل‌های جزئی است .این نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای دموگرافیک تأثیر محدودی دارند و نقش خانوادگی و عاطفی پررنگ‌تر است.

***جدول ۱۲**: نتایج تحلیل ریگریسون جهت بررسی رابطه بین ابعاد جو عاطفی خانواده و نمره کل نگرش به اعتیاد*

متغیر پیش بین	ضریب ریگریسون	خطای استاندارد	ضریب استاندارد شده	آماره	سطح معنا داری
ثابت	۲/۷۲۳	۰/۰۹۱	-	۲۹/۹۲۹	<۰/۰۰۱
تشویق	-۰/۱۰۲	۰/۰۳۱	-۰/۲۰۳	-۳/۳۰۷	۰/۰۰۱
امنیت	-۰/۱۰۹	۰/۰۳۴	-۰/۲۰۰	-۳/۲۴۷	۰/۰۰۱
0.361	=		R		-
0.130	=		R^2		-
0.126	=	R^2		Adjusted	-
- F = 27.450, p < 0.001					

مطابق جدول شماره ۴ جهت بررسی رابطه بین ابعاد جو عاطفی خانواده(محبت، نوازش، تایید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشویق، اعتماد و احساس امنیت) به طور همزمان با نمره کل نگرش به اعتیاد از تحلیل رگرسیون خطی گام‌به‌گام (Stepwise) استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که از میان ابعاد جو عاطفی خانواده، تشویق و امنیت توانستند به‌طور معناداری نگرش به اعتیاد را پیش‌بینی کنند (p< ۰.۰۱) .سایر ابعاد جو عاطفی خانواده در مدل باقی نماندند. بر اساس ضریب β استاندارد، هر دو متغیر β منفی داشتند (تشویق = ۰.۲۰۳- ، امنیت = ۰.۲۰۰-)، که نشان می‌دهد افزایش این دو بعد با کاهش نگرش مثبت به اعتیاد مرتبط است. مقدار ثابت مدل نیز ۲.۷۲۳ بود و مدل کلی از نظر آماری معنادار بود (t=۲۹.۹۲۹ p<۰.۰۰۱) .

مناقشه

هدف از این تحقیق بررسی رابطه میان جو عاطفی خانواده و نگرش محصلان پوهنتون کابل نسبت به اعتیاد بود. در این راستا داده‌های به دست آمده از پرسشنامه با استفاده از روش‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت نتایج این تحقیق نشان داد مدل مفهومی تحقیق با داده‌های به‌دست‌آمده سازگاری مطلوبی دارد و تمام فرضیه‌های مورد تایید قرار گرفت.

نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد که بین جو عاطفی خانواده و نگرش محصلان نسبت به اعتیاد رابطه منفی و معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه جو عاطفی خانواده مثبت‌تر و حمایتگرانه‌تر باشد، نگرش محصلان نسبت به اعتیاد منفی‌تر می‌شود و بالعکس، جو عاطفی ضعیف می‌تواند نگرش مثبت‌تری نسبت به مصرف مواد ایجاد کند. این یافته با تحقیق‌های عرشی و همکاران (۲۰۱۸)، شهریاری و همکاران (۲۰۲۱) همسو است و نشان می‌دهد خانواده به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی، نقش اساسی و مهم در شکل‌دهی نگرش‌ها و باورهای فرزندان دارد.

بحث نتایج حاضر را می‌توان با چارچوب نظری تحقیق مرتبط دانست. همان‌طور که در چارچوب نظری تو ضیح داده شد، افراد بیشترین وقت خود را همراه با خانواده سپری می‌کنند و تحت تأثیر محیط، رفتار و ارزش‌های والدین قرار دارند. اگر محیط عاطفی خانواده مثبت و حمایت‌کننده باشد، فرزندان کمتر در معرض نگرش به اعتیاد قرار می‌گیرند. برعکس، کمبود حمایت عاطفی و محبت در خانواده می‌تواند زمینه آسیب‌پذیری فرزندان را افزایش داده و آنان را در برابر تأثیر گروه‌های دوستان ناسالم آسیب‌پذیرتر سازد؛ به‌گونه‌ای که حمایت خانوادگی می‌تواند از شدت تأثیر دوستان ناسالم بر مصرف مواد در نوجوانان بکاهد (فراوئن‌گلاس، روث، پانتین و میسون، ۱۹۹۷)

نتایج حاصل از فرضیه دوم نشان داد که محبت با نگرش به اعتیاد رابطه معناداری دارد بدین معنی که به هر اندازه میزان محبت و گرمی عاطفی در خانواده بیشتر باشد، نگرش فرزندان نسبت به اعتیاد منفی‌تر و کم‌تر خواهد بود. یافته‌های این تحقیق با تحقیق حجت (۱۳۹۴) و دلاور (۱۳۸۸) که بر اهمیت روابط عاطفی و کیفیت ارتباطات خانوادگی در ایجاد رفتار و نگرش فرزندان تأکید داشته‌اند، همسو است. یکی از دلایه احتمالی این ارتباط آن است که محبت خانوادگی می‌تواند احساس تعلق و ارزشمندی را در فرزندان افزایش دهد. زمانی که فرد در محیط خانواد محبت و توجه دریافت می‌کند، نیاز او به پذیرش و حمایت اجتماعی بیشتر از طریق روابط بیرونی کاهش می‌یابد. همچنان یافته حاضر به نتایج فراتحلیل پینکارت و گوچالی‌یف(۲۰۲۵) همخوانی دارد که رابطه میان گرمی والدین و کاهش استفاده مواد در نوجوانان و جوانان را گزارش کرده است.

نتایج حاصل فر ضیه سوم نشان داد که بین نوازش و نگرش به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد. به عبارتی هرقدر اعضای خانواده محبت و عاطفه بیشتری را به یکدیگر ابراز کنند، نگرش فرزندان نسبت به اعتیاد منفی‌تر خواهد بود. یافته‌های این تحقیق با تحقیق‌های حجت (۱۳۹۴) و دلاور (۱۳۸۸) درباره اهمیت روابط عاطفی خانواده همسو است. نوازش و ابراز محبت به عنوان یکی از راه‌های نشان دادن محبت، می‌تواند احساس پذیرفته‌شدن و نزدیکی عاطفی فرد با خانواده را افزایش دهد. از این دیدگاه، خانواده‌ی که اعضای آن فرصت ابراز محبت به یکدیگر را دارند، ممکن است محیط مناسب‌تری برای ارتباط و حمایت متقابل فراهم کند. یافته فراتحلیل پینکار و گوچالی‌یق(۲۰۲۵) درباره ارتباط گرمی والدین با کاهش استفاده از مواد نیز با جهت کلی یافته حاضر سازگار است. البته باید توجه داشت مفهوم نوازش در تحقیق حاضر به عنوان یکی از ابعاد جو عاطفی خانواده سنجیده شده و نبای آن را کاملا معادل مفهوم گسترده گرمی والدین در مطالعات دیگر دانست.

نتایج حاصل از فرضیه چهارم نشان داد که بین تایید شدن و نگرش به اعتیاد رابطه معنا داری وجود دارد. به این معنی که هرقدر فرزندان احساس کنند از سوی اعضای خانواده پذیرفته و مورد تأیید قرار می‌گیرند، نگرش آنان نسبت به اعتیاد منفی‌تر خواهد بود. یافته‌های این تحقیق با تحقیقدلاور (۱۳۸۸) و حجت (۱۳۹۴) همسو است. بخاطریکه این تحقیق‌ها نیز بر نقش روابط خانوادگی در به وجود آمدن نگرش و رفتار فرزندان تأکید داشته‌اند. این یافته با تحقیق‌های جدید درباره رابطه والد ـــ فرزند نیز همخوانی دارد، به‌گونه‌ای که مرور نظام‌مند مطالعات طولی نشان داده است که کیفیت نامناسب رابطه والد ـــ فرزند در برخی مطالعات با سطوح بالاتر مصرف الکل در نوجوانان ارتباط داشته است (ویسر، دی‌وینتر و ریجنولد، ۲۰۱۲).

نتایج حاصل از فرضیه پنجم نشان داد که بین تجربه‌های مشترک و نگرش به اعتیاد رابطه معناد داری وجود دارد. به عبارتی، هر قدر اعضای خانواده وقت بیشتری برای انجام کارهای مشترک، صحبت کردن با یکدیگر داشته باشند به همان اندازه نگرش فرزندان نسبت به اعتیاد کم‌تر خواهد بود. این یافته با تحقیق حجت (۱۳۹۴) و دلاور (۱۳۸۸) هم راستا بوده و با مطالعه جدید تاک و همکاران (۲۰۰۸) نیز پشتیبانی می‌کند که مشارکت بیشتر نوجوانان در کارهای خانوادگی با سطوح پایین‌تر استفاده مواد همراه بوده و افزایش مشارکت در فعالیت‌های خانوادگی می‌تواند کاهش بعدی استفاده مواد را پیش‌بینی کند.

نتایج حاصل از فرضیه ششم نشان داد که بین هدیه دادن و نگرش به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد. البته در تفسیر این یافته باید میان هدیه دادان به عنوان یک رفتار مشخص و محبت گرمی خانوادگی به عنوان یک مفهوم گسترده‌تر تفاوت قائل شد. به نظر می‌رسد اهمیت این مؤلفه بیشتر از خود هدیه، در پیام عاطفی آن یعنی توجه، قدرانی و اهمیت دادن به عضو خانواده باشد از این نظر یافته حاضر با نتایج حجت(۱۳۹۴)، دلاور(۱۳۸۸) و پینکارت و گوچالی‌یف(۲۰۲۵) درباره اهمیت روابط عاطفی و گرمی وادلین هموخوانی دارد.

نتایج حاصل از فرضیه هفتم نشان داد که بین تشویق و نگرش به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد. همچنین در تحلیل رگرسیون، تشویق یکی از مؤلفه‌های بود که توانست نگرش نسبت به اعتیاد را پیش‌بینی کند. این نتیجه نشان می‌دهد که در میان ابعاد جو عاطفی خانواده، تشویق از اهمیت بیشتری در تبیین نگرش به اعتیاد برخوردار بوده است.

تشویق می‌تواند از طریق تقویت احساس توانمندی و ارزشمندی فرزندان اهمیت پیدا کند. هنگامی که تلاشها و موفقیت‌های فرزندان مورد توجه خانواده قرار می‌گیر، ممکن است زمینه مناسبی برای

شـــکل‌گیری رابطه مثبت میان فرد و خانواده فراهم شـــود. این یافته با نتایج حجت(۱۳۹۴) و دلاور(۱۳۸۸) درباره گرمی والدین و کاهش اسـتفاده از مواد نیز سـازگاری دارد. از این رو، توجه به رفتارهای حمایتی و تشـــویقی والدین می‌تواند در برنامه‌های پیشـــگیری خانواد محور مورد توجه قرار گیرد.

نتایج حاصـل از فرضیه هشـتم نشـان داد که بین اعتماد با نگرش به اعتیاد رابطه معنا داری وجود دارد. یعنی به هر اندازه که میان والدین و فرزندان اعتماد وجود داشـــته باشـــد به همان اندازه نگرش منفی نسـبت به اعتیاد در فرزندان در حد مطلوب قرار خواهد داشـت. این نتایج با تحقیق حجت (۱۳۹۴) و دلاور (۱۳۸۸) که بر اهمیت روابط سـالم و تعامل مناسـب اعضـای خانواده تأکید داشـته‌اند، همسـو اسـت. همچنین این نتیجه با مطالعات مربوط به رابطه والد و فرزند و مصرف مواد سازگاری دارد زیرا کیفیت رابطه میان والدین و فرزندان یکی از بخش‌های مهم محیط خانوادگی در ارتباط با رفتارهای مرتبط با استفاده مواد شناخته شده است (ویسر و همکاران، ۲۰۱۲). در تبیین این یافته می‌توان گفت وجود اعتماد در خانواده زمینه گفت‌وگوی آزاد میان والدین و فرزندان را مهیا می‌سـازد و فرد می‌تواند مشکلات، نگرانی‌ها و فشارهای اجتماعی خود را با اعضای خانواده در میان بگذارد.

نتایج حاصـل از فرضیه نهم نشـان داد که بین احسـاس امنیت با نگرش به اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، احساس امنیت در تحلیل رگرسیون یکی از دو مؤلفه‌ای بود که توانست نگرش نسبت به اعتیاد را پیش بینی کند. بنابراین، درکنار تشـــویق، احســـاس امنیت نیز در میان ابعاد جو عاطفی خانواده از اهمیت بیشتری برخوردار بود.

احســـاس امنیت عاطفی می‌تواند باعث شـــود فرد خانواد را به عنوان منبعی برای حمایت در شرایط دشـوار تجربه کند. در چنین شرایطی، فرد ممکن اسـت برای مقابله با مشـکلات و فشـارهای زندگی، بیشتر به منابع حمایتی خانواده مراجعه کند. ای یافته با نتایج حجت(۱۳۹۴) و دلاور(۱۳۸۸) هم راستا اس و با یافته‌های رودریگز روئیز و همکاران(۲۰۲۵) نیز سـازگاری دارد. آنان در کی مرور نظام‌مند به نقش عواملی مانند انسـجام خانوادگی، حمایت والدین و پیوندهای خانوادگی در ارتباط با اسـتفاده از مواد در نوجوانان اشاره کرده‌اند

با توجه به این نتایج، پیشنهاد می‌شود در بستر افغانستان برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد بیش از گذشته بر تقویت روابط عاطفی در خانواده تمرکز کنند. به ویژه برگزاری آموزش‌های مهارت‌های فرزند پروری برای والدین، گنجانیدن آموزش مهارت های زندگی و ارتباط ســـالم در برنامه‌های مکاتب و پوهنتون‌ها، توسعه خدمات مشاوره خانواده در سطح جامعه و اجاری کمپاین‌های آگاهی‌دهی درباره

نقش حمایت عاطفی خانواده می‌تواند به عنوان راهکارهای عملی و کم هزینه در جهت کاهش نگرش مثبت به اعتیاد و افزایش عوامل محافظتی در میان جوانان مورد توجه نهادهای آموزشی، اجتماعی و سیاستگذاران قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این تحقیق نشان داد که جو عاطفی خانواد با نگرش محصلان نسبت به اعتیاد رابطه منفی و معنا دار دارد. یعنی هر قدر جو عاطفی مثبت باشد نگرش به اعتیاد منفی خواهد بود و هر قدر جو عاطفی منفی باشد نگرش به اعتیاد مثبت خواهد بود. مقیاس‌های اصلی جو عاطفی خانواده شامل محبت، اعتماد، تایید، تشویق، هدیه، تجربه مشترک، احساس امنیت و نوازش نقش مهمی در کاهش نگرش به مصرف مواد دارند. در مقابل، ضعف در روابط عاطفی خانوادگی، کاهش حمایت عاطفی و نبود احساس امنیت ممکن است زمینه آسیب‌پذیری بیشتر جوانان در برابر فشارهای روانی و اجتماعی را فراهم کند. کمبود محبت و تشویق، ضعف اعتماد متقابل و محدود بودن تعاملات مثبت خانوادگی می‌تواند احساس طردشدگی، ناکامی و نارضایتی را افزایش داده و فرد را در برابر تأثیرپذیری از عوامل محیطی، از جمله گروه همسالان و رفتارهای پرخطر، آسیب‌پذیرتر سازد. به همین دلیل، پیشگیری از اعتیاد نباید صرفاً به آموزش درباره پیامدهای زیان‌بار مصرف مواد محدود شود، بلکه تقویت روابط عاطفی و حمایت خانوادگی نیز باید بخشی از برنامه‌های پیشگیری باشد.

از منظر نظری، یافته‌های این تحقیق با دیدگاه‌های که بر نقش محیط اجتماعی و روابط بین‌فردی در شکل‌گیری نگرش و رفتار تأکید دارند، همخوانی دارد. خانواده نخستین محیطی است که فرد در آن ارزش‌ها، هنجارها، نگرش ها و شیوه‌های تعامل اجتماعی را فرا می‌گیرد. بنابراین وجود روابط عاطفی سالم و حمایتگر می‌تواند از طریق تقویت احساس امنیت، تعلق و ارزشمندی، زمینه شکل‌گیری نگرش‌های سالم‌تر و مقاومت بیشتر در برابر رفتارهای پرخطر را فراهم کند.

اهمیت این یافته‌ها قابل توجه است، زیرا اعتیاد به مواد مخدر یکی از چالش های مهم اجتماعی و انسانی به شمار می‌رود و پیشگیری از آن نیازمند توجه به مجموعه‌ای از عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی است. خانواده می‌تواند یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های موجود برای پیشگیری باشد. یافته‌های این تحقیق بر ضرورت توجه بیشتر به کیفیت روابط خانوادگی و نیازهای عاطفی تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که ایجاد محیط خانوادگی امن، حمایتگر و مبتنی بر اعتماد می‌تواند در شکل‌گیری نگرش‌های منفی نسبت به اعتیاد اهمیت داشته باشد.

از نظر کاربردی، نتایج تحقیق میتواند برای خانوادهها، مراکز آموزشی، مددکاران اجتماعی، روانشناسان، مشاوران و نهادهای فعال در حوزه پیشگیری از اعتیاد مورد استفاده قرار گیرد. برنامههای آموزشی و پیشگیرانه میتوانند در کنار افزایش آگاهی درباره پیامدهای جسمی، روانی و اجتماعی استفاد مواد بر تقویت مهارتهای ارتباطی خانواد، افزایش محبت و حمایت عاطفی، تقویت اعتماد متقابل، تشویق فرزندان، ایجاد احساس امنیت و افزایش تعاملات مثبت میان اعضای خانواده تمرکز کنند. هنچنان مراکز آموزشی میتوانند با ایجاد برنامههای آگاهیدهی و حمایتی نقش مکملی در تقویت نگرشهای سالم و پیشگیری از رفتارهای پرخطر در میان محصلان داشته باشند.

پیشنهادات

استفاده از روشهای گردآوری داده متنوع

بهتر است بر علاوه پرسشنامه، از روشهای مانند مصاحبه و گروههای کانونی نیز استفاده شود تا دقت دادهها افزایش یافته و تأثیر خطای پاسخدهی کاهش یابد.

افزایش گستره جغرافیایی نمونه

پیشنهاد میشود مطالعات مشابه در پوهنتونها و مراکز آموزشی دیگر نیز انجام شود و نمونه فقط محدود به پوهنتون کابل نباشد تا امکان تعمیم نتایج به جامعه بزرگتر فراهم گردد.

بررسی گروههای سنی و اجتماعی متفاوت

انجام تحقیق روی نوجوانان، جوانان خارج از پوهنتون و سایر گروههای اجتماعی میتواند به درک جامعتر رابطه جو عاطفی خانواده و نگرش به اعتیاد کمک کند.

منابع

Afifi, M. (2006). Positive health practices and depressive symptoms among high school adolescents in Oman. Singapore Medical Journal, 47(11), 960–966. https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/17075664/

Bandura, A. (1977). Social learning theory. Prentice-Hall.

Becoña Iglesias, E., Fernández del Río, E., Calafat, A., & Fernández-Hermida, J. R. (2014). Attachment and substance use in adolescence: A review of conceptual and methodological aspects. Adicciones, 26(1), 77–86. https://doi.org/10.20882/adicciones.137

Chiang, Y.-C., Li, X., Lee, C.-Y., Wu, C.-C., Chang, H.-Y., & Zhang, S. (2022). Effects of social attachment on experimental drug use from childhood to adolescence: An 11-year prospective cohort study. Frontiers in Public Health, 10, 818894. https://doi.org/10.3389/fpubh.2022.818894

Dackis, C., & O'Brien, C. (2005). Neurobiology of addiction: Treatment and public policy ramifications. Nature Neuroscience, 8(11), 1431–1436. https://doi.org/10.1038/nn1105-1431

De La Rosa, M., Huang, H., Rojas, P., Dillon, F. R., Lopez-Quintero, C., Li, T., & Ravelo, G. (2015). Influence of mother-daughter attachment on substance use: A longitudinal study of a Latina community-based sample. Journal of Studies on Alcohol and Drugs, 76(2), 307–316. https://doi.org/10.15288/jsad.2015.76.307

Din Mohammadi, M. R., Amini, K., & Yazdan Khah, M. R. (2007). Survey of social and environmental factors related to the relapse of addiction in volunteer addicted individuals in welfare organization of Zanjan. Journal of Zanjan University of Medical Sciences, 15(59), 85–94.

Dysvik, E., Natvig, G. K., Eikeland, O. E., & Lindstrøm, T. C. (2005). Coping with chronic pain. International Journal of Nursing Studies, 42(3), 297–305. https://doi.org/10.1016/j.ijnurstu.2004.06.009

Frauenglass, S., Routh, D. K., Pantin, H. M., & Mason, C. A. (1997). Family support decreases influence of deviant peers on Hispanic adolescents' substance use. Journal of Clinical Child Psychology, 26(1), 15–23. https://doi.org/10.1207/S15374424JCCP2601_2

Galanter, M. (2006). Innovations: Alcohol & drug abuse: Spirituality in Alcoholics Anonymous: A valuable adjunct to psychiatric services. Psychiatric Services, 57(3), 307–309. https://doi.org/10.1176/appi.ps.57.3.307

Kaminer, Y., & Winters, K. C. (Eds.). (2011). Clinical manual of adolescent substance abuse treatment. American Psychiatric Publishing.

Mirzaei Alavijeh, M., Nasirzadeh, M., Eslami, A. A., Sharifirad, G. R., & Hasanzadeh, A. (2013). The effect of family functioning on youth dependence on synthetic drugs. Iranian Journal of Health Education and Health Promotion, 1(2), 19–30.

Rezaei, A., Eslami, B., & Mehdipour Khorasani, M. R. (2014). The role of family in youth tendency toward addiction in Varamin County. Journal of Sociological Studies of Youth, 5(15), 27–50.

Rodríguez-Ruiz, J., Kaakinen, M., Oksanen, A., & Espejo-Siles, R. (2025). The influence of parental substance use on adolescent substance use: A systematic review of moderators. Journal of Family Theory & Review, 17(3), 721–741. https://doi.org/10.1111/jftr.12620

Sadock, B. J., Sadock, V. A., & Ruiz, P. (2014). Kaplan and Sadock's synopsis of psychiatry: Behavioral sciences/clinical psychiatry (11th ed.). Wolters Kluwer.

Schindler, A. (2019). Attachment and substance use disorders—Theoretical models, empirical evidence, and implications for treatment. Frontiers in Psychiatry, 10, 727. https://doi.org/10.3389/fpsyt.2019.00727

Stein, B. D., Kilmer, B., Taylor, J., Vaiana, M. E., Barnes-Proby, D., Caulkins, J. P., Davis, L. M., Dworsky, M., Gates, S. M., Iguchi, M. Y., Osilla, K. C., Pacula, R. L., Pardo, B., Sherry, T. S., & Smucker, S. (2023). America's opioid ecosystem: How leveraging system interactions can help curb addiction, overdose, and other harms. RAND Health Quarterly, 10(4), 1. https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC10501822/

United Nations Office on Drugs and Crime. (2015). Afghanistan national drug use survey 2015. https://www.unodc.org/crop-monitoring/Afghanistan_Drug_Insights_V3_web.pdf

Visser, L., de Winter, A. F., & Reijneveld, S. A. (2012). The parent–child relationship and adolescent alcohol use: A systematic review of longitudinal studies. BMC Public Health, 12, 886. https://doi.org/10.1186/1471-2458-12-886